

بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمه فارسی اشعار مخدوم قلی فراغی

دفتر اول

(حاوی ۱۰۰ ترجمه شعر)

گروه مترجمین

استان گلستان ۱۳۹۵

: ترجمه فارسی اشعار مختموقلی فراغی دفتر اول

عنوان و نام پدیدآور

(حاوی ۱۰۰ ترجمه شعر)

: گلستان: ایل آرمان، ۱۳۹۵.

ناشر

: ۳۱۰ ص: رقعی.

مشخصات ظاهری

: ۹۷۸- ۹۶۴-۷۸۸۲-۵۳-X اریال

شابک

: فیپای مختصر

وضعیت فهرست

: خال محمد پقه، موسی جرجانی، عاشر محمد رثوفی امانقلیج شادمهر،

مترجمین

حاجی محمد قرنچیک و مشهد قلی قزل.

: پقه، خال محمد، ۱۳۳۰- و دیگران ...

شناسه ورود

با مقدمه امانقلیج شادمهر

۳۷۹۰۶۰۵

شماره کتابشناسی



www.ayl-arman.ir

نام کتاب: ترجمه فارسی اشعار مختموقلی فراغی (دفتر اول)

مترجمین: خال محمد پقه، موسی جرجانی، عاشر محمد رثوفی، امانقلیج شادمهر، حاجی محمد

قرنچیک و مشهد قلی قزل.

ناشر: انتشارات ایل آرمان

تایپ، بازنویسی و بازخوانی: موسی جرجانی

تصحیح و ویراستاری: امانقلیج شادمهر

طراحی و صفحه آرایی: واحد آماده سازی کتاب

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه، قیمت: ۱۰۰۰۰۰ اریال

قطع: رقعی ۳۱۰ ص

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

چاپ: چاپخانه ریحانی گرگان - بارچیان ۳۲۲۲۴۳۳۶

شابک: X- ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۸۲-۵۳

درباره ترجمه اشعار

چرقه کار ترجمه اشعار مختومقلی زمانی زده شد که در سال ۱۳۹۴ ه.ش و ۲۰۱۵ میلادی به اتفاق دوستان نیک به کنفرانس بین المللی مختومقلی فراغی در عشق آباد ترکمنستان دعوت شده بودیم و حضور صاحب نظران را که با دست پر از دهها کشور آمده بودند، به عینه دیدیم. پژوهشگرانی از اقصای نقاط جهان از آمریکا تا تاتارستان و ژاپن که در زمینه ترجمه اشعار مختومقلی کار کردند همه دوستان، که البته همگی دستی در کار تحقیق و پژوهش در زمینه مختومقلی داشتند، ضرورت ترجمه اشعار مختومقلی را به زبان فارسی احساس کردند. در پی این از جلسات عزم جزم کردیم تا به صورت گروهی درباره ترجمه اشعار مختومقلی فراغی به طور جدی پیگیر باشیم تا کمبودها و کاستی های ترجمه های موجود را به حداقل برسانیم. نخست بر آن شدیم که از میان دیوانهای متعدد چاپ شده، بی را به عنوان معیار برگزینیم و بر یک منوال و سیاق پیش برویم. پس از بررسی های زیاد به این نتیجه رسیدیم که از میان تمامی دیوان های چاپ شده، دلائل مختلف، مناسب ترین آن را کتاب مجموعه اشعار مختومقلی فراغی اثر تحقیقی و تنقیمی دوستانمان در بندر ترکمن که به صورت گروهی تحقیق و بررسی کرده بودند و در دسترس ما نیز بود، برگزینیم و یک سال تمام، نشست های ترجمه خود را ادامه دادیم تا این که حاصل تلاش و زحمات یکی دو ساله این گروه، چاپ دفتر اول ترجمه حاوی یکصد شعر شاعر فرزانه مختومقلی فراغی شده است. این در دسترس شماست. نوید آن می دهیم که این گروه مصمم است تا این شیوه را با جدیت بیشتر ادامه دهد تا ترجمه یک دست از تمام اشعار شاعر را به مشتاقان مختومقلی ارائه نماید.

اعضای گروه- با وجود دقت و صرف وقت زیاد- بر این باورند که مجموعه حاضر نیز خالی از اشکال نیست. و از همه علاقمندان به مختومقلی فراغی درخواست می کنیم نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را از ما دریغ نورزند تا در ادامه کار از آن بهره ببریم. در پایان از دوست خوبمان منصور ایمر به خاطر حمایت های بی دریغشان و از همه کسانی که به هر صورت ما را در امور چاپ و آماده سازی این مجموعه یاریمان کردند، بی نهایت سپاسگزاریم.

گروه مترجمین

فهرست مطالب

مقدمه ای بر شناخت شاعر و عارف فرزانه مختومقلی فراغی

۱۱ زندگی نامه

۱۳ اوضاع اجتماعی عصر شاعر

۱۴ اشعار فراغی

۱۷ مختومقلی فراغی از زبان دیگران

اشعار و ترجمه آنان به فارسی

۲۱ اقبال بولماد

۲۲ اقبال شد

۲۳ ایلی گوزلار

۲۵ در جستجوی ایلی

۲۶ سیل غالماز

۲۸ سیل می گذرد

۲۹ نالر گورینر

۳۱ چه ها که دیده نمی شود؟

۳۲ چاغدیر بو چاغلار

۳۴ هنگامه ای است این هنگام

۳۵ عرب تیللی سودیگیم

۳۶ محبوب عرب زبانم

۳۷ داش گیتمگ

۳۹ فاصله

۴۱ یولی بیلانی

۴۲ در طریق او

۴۳	دویشونه دگمژ
۴۵	به رویایش نمی ارزد
۴۷	فریاد بولماز
۴۸	فریادی نخواهد بود
۴۹	گوزه میهماندير
۵۰	مهمان چشم
۵۲	قول بولغون
۵۳	ایدم باش
۵۵	ایر او یسانگ
۵۶	التماس
۵۷	گوزله مایین بولار می؟
۵۸	درد جدایی
۶۰	بی وفالاردان
۶۱	از بی وفایان
۶۲	صحبت باغشی دیر
۶۳	سخن نیکو
۶۵	دوز هم بولماسا
۶۶	طعام بی نمک
۶۸	آتی گرمی
۶۹	نیاز
۷۱	جوشوندادیر
۷۲	جوشش دل
۷۴	آباد غالسین
۷۵	آبادانی
۷۷	بو دونیا

۷۹	این دنیا
۸۱	حالیما منینگ
۸۲	حال من زار
۸۳	علی دیر
۸۵	این علی است
۸۶	باد صبانى گورسم
۸۸	باد صبا
۹۰	نامه من
۹۱	چستی؟
۹۲	ایش، ولما؟
۹۳	نخواه بود
۹۵	او چا بیلمن نیلایین
۹۶	پر پرواز
۹۷	باغلار هی
۹۸	گذر ایام
۱۰۰	فاش ادر سنی
۱۰۱	افشای راز
۱۰۲	گیتمز میش
۱۰۴	هرگز نرود
۱۰۶	هوشی یانديرار
۱۰۷	مدهوش
۱۰۸	چالدى گیتدی
۱۱۰	نواخت و رفت
۱۱۱	سیر گیر
۱۱۳	سیر می رود

۱۱۴	کونگل جم بولوب
۱۱۶	آرامش
۱۱۸	نابيلسين
۱۱۹	چه داند؟
۱۲۰	بهم ادر
۱۲۱	توليد مي کند
۱۲۳	فلگی دير
۱۲۵	از فلک
۱۲۷	اونی آردی بيلينمز
۱۲۸	ناپيدا
۱۲۹	اولمسن بولون
۱۳۱	قبل از مرگ
۱۳۲	ترس چيقار
۱۳۴	برعکس
۱۳۵	گيدر سن
۱۳۶	خواهی رفت
۱۳۷	ياد ياغشی
۱۳۹	غریبه نیز بهتر
۱۴۱	آی گونينگيز باتماغا
۱۴۳	غروب ماه و خورشيد
۱۴۴	دashi سينديرار
۱۴۵	سنگ را خواهد شکست
۱۴۷	آدمزاد
۱۴۸	آدمی
۱۴۹	داغ سايار

۱۵۱	کوه داند
۱۵۲	یارینک یاغشی سین
۱۵۳	بهترین یار
۱۵۵	مال یاغشی
۱۵۶	ثروت بهتر است
۱۵۷	دون گرگ
۱۵۹	نان و نیاز
۱۶۱	آده سختومقلی دیر
۱۶۲	ماش سختومقلی
۱۶۳	کرم اسلا
۱۶۵	کریم کاردا
۱۶۶	یارگرک دیر
۱۶۷	یار
۱۶۸	بیچر گیدر
۱۷۰	کفن مرگ
۱۷۱	سوویش بيله
۱۷۲	گوشت بز
۱۷۳	آیریلدیم
۱۷۵	فراغ یار
۱۷۷	سونگی داغی
۱۷۸	ای سونگی داغ
۱۷۹	یتیشدی سالییم
۱۸۱	دریغ از ایام
۱۸۳	بيله مهمان دیر
۱۸۴	مهمان

۱۸۵	غیش بولار
۱۸۶	زمستان
۱۸۷	ادا جاک سن
۱۸۸	چه خواهی کرد؟
۱۹۰	آلان یاغشی دیر
۱۹۱	کار نیکو
۱۹۲	برمه فلگه
۱۹۳	فلک
۱۹۴	ایله ینگ منی
۱۹۵	گرفتار
۱۹۶	گوزوم دوشای
۱۹۷	جانان دیدم
۲۰۰	صفا بولار
۲۰۲	مصفا
۲۰۴	یایلاق لاری بار
۲۰۵	گشت و گذار
۲۰۶	ماتاج ایله مه
۲۰۷	بی نیازم کن
۲۰۸	ایمه نه ور
۲۱۰	هراس
۲۱۲	اوسسه سی بولماز
۲۱۱	سودی نخواهد داشت
۲۱۴	بزه نیپ
۲۱۶	آرایش
۲۱۷	بو ایشی

۲۱۹	سرانجام
۲۲۰	تنهالیق بيله
۲۲۲	در تنهایی
۲۲۳	اقرار سیز اردن
۲۲۵	پیمان شکن
۲۲۶	دوغروسی
۲۲۸	راستش
۲۳۰	آغلارین
۲۳۲	آریان
۲۳۳	آت یانیندا بللمه دیر
۲۳۴	نمایش
۲۳۶	داشیمیرا
۲۳۷	پیرامون ما
۲۳۸	داغ لار داشلار بییه
۲۳۹	کوه و سنگ
۲۴۱	یاراشماز
۲۴۳	شایسته نیست
۲۴۵	گوروم گورولمه گن یرده
۲۴۶	الگو
۲۴۸	سیل بیلانی
۲۴۹	سیل روان
۲۵۱	جوش اولماسین
۲۵۳	جوش و خروش
۲۵۵	مبتلا قیلدی
۲۵۷	مبتلا

۲۵۸	دش دوکر
۲۵۹	فاش
۲۶۱	آغلارلار
۲۶۲	رهسپار
۲۶۳	دلالت یاغشی
۲۶۵	دلالت
۲۶۶	باش اوستونده
۲۶۸	میدان عمل
۲۶۹	باشداش بولان
۲۷۱	همراهی
۲۷۲	گوز دالمر
۲۷۳	آماده فرمان
۲۷۴	حقى اوچین
۲۷۶	به خاطر حق
۲۷۹	باش یاغشی
۲۸۰	بهتر است
۲۸۲	کونگل یاتماز هیچ
۲۸۴	فریاد دل
۲۸۶	آشی تاپماز سن
۲۸۷	جفا
۲۸۸	جان چیقار
۲۹۰	شراره
۲۹۱	یاذوالجلالیم
۲۹۳	ای ذوالجلال من
۲۹۴	دکان گورونر

۲۹۶	دیده می شود
۲۹۸	یولدا سنی
۲۹۹	طلب
۳۰۱	سیران ایچینده
۳۰۲	سیاحت
۳۰۴	هوسی دیر
۳۰۵	هوس
۳۰۷	گه ندی ده رایا
۳۰۹	عرة - ر تفکر

www.ketab.ir

مقدمه ای بر شناخت شاعر و عارف فرزانه مختومقلی فراغی

زندگی نامه

«مختومقلی فراغی» در سال ۱۷۳۳ م. (۱۱۵۳ هـ) از تیره «گرکز» در شمال شرق «گنبد کاووس» در محل به نام «گینگ جای» چشم به جهان گشود. او در این باره چنین سروده:

یلمه من سوزانلارا آیدینگ بو غریب آدیمیز
اصلی گم ز، نوردی اترک، آدی مختومقلی دیر
«به آنانی که جویای این غریب هستند، بگو: / اصلش گرکز، سرزمینش اترک» و
نامش مختومقلی است.»

چنان که از آثار و زندگانی وی برداشت می شود می توان حیات شاعر را، به دو دوره تقسیم کرد. دوره نخست، دوره تحصیلات و مسافرت های وی، برای کسب علوم آن زمان، و دوره دوم، کسب علوم باطنی و معارف درونی، توجه به منویات و انصراف از علوم ظاهری. این دوره، در کل، دوره اصلاح، ارشاد، راهنمایی، ترویج دعوت به اتحاد است.

تحصیلات و مسافرت های فراغی، منطبق با دیوان وی و نیز اساس آثار تحلیلی در شرح حال شاعر، چنین است:

او مقدمات علوم و خواندن و نوشتن را، در ایام کودکی، از پدر ادیب و دانشمند خود
«دولت‌محمد» آموخته‌است. چنان که در همین خصوص می‌سراید:

دعا قیلسام جبر و جفا اکثر دیر

علم او گره‌دن استاد، قیلام پدر دیر «در برابر جور و جفای زمان، دعای من بس
ناچیز است / آن کس که به من علم آموخت، پدر است.

می‌گویند که پس از مدتی تحصیل، در مکتب‌خانه «ادریس بابا» در روستای
«قره‌آیاق»، برای ادامه تحصیل به بخارا رفت، و در مدرسه «گوکلداش» به تحصیل
علوم دینی و عربی پرداخت. فراغی پس از چندی، برای ترویج دین و ارشاد مردمان
خطه خود، به زمی‌ش بازگشت.

در حین ترویج دین در سرزمین خود، به افغانستان و هندوستان مسافرت کرده، پس
از شش ماه اقامت در هندوستان، به ترکستان آمد و با بزرگان مدرسه «خوجه احمد
یسای» مصاحبت پیدا کرد. اساتید و علمای آن حوزه نیز، وی را به تحصیل در
مدرسه «شیرغازی» واقع در «هر خیوه» - که یکی از بزرگترین مراکز علوم دینی و
اسلامی آن عصر بود - تشویق کردند. فایده به جهت تحصیل راهی خیوه شد و در
بین راه از شهرهای «مارگالان»، «سم‌بند» و «آندیجان» - که از شهرهای ازبکستان
است - دیدن کرد و سرانجام در خیوه به تحصیل و تکمیل دروس خود پرداخت. فراغی
پس از تکمیل تحصیل و نمایش استعداد خود، زمان کوتاهی به تدریس در همان
مدرسه اشتغال داشت، و آنگاه به موطن و زادگاه اصلی خویش برگشت:

حقدان بیزه بویروق، باغلی دیر یلد

سندده تعلیم آلدی اچیلدی تیلیم

گل‌سین دیبپ قارایار اول گرکز ایلیم

غیدر بولدوم خوش غال گوژل شیرغازی

«تقدیر الهی، چنین است و ما را یارای گریز از آن نیست / از تو - مدرسه شیرغازی -
تعلیم گرفتم و فصاحت بیان آموختم / اکنون ایل من «گرکز» چشم انتظار من است / بمان!
ای شیرغازی! که هنگام وداع است.»

فراغی علاقه فراوانی به سیر و سیاحت و گشت و گذار داشت. وی در سه جا از دیوانش، داعیه سفر به مکه را منعکس کرده و سخت، مجذوب و شیفته احرام و حالات معنوی طواف خانه خدا شده است، چرا که نیت حج، خود تکلیف دینی واجب است بر همه، از آن گذشته جزء ارکان اصلی ایمان است:

مختموقلی! بیلدیم یختیم بی وجه دیر
غنیمیم گویچلی دیر، اقبالیم کج دیر
نیتیم کعبه دیر، خیالیم حج دیر
اقراریم بار حج طوافین اتمانگه

«مختموقلی! دانستم که شوربختم/ خصم پر قدرت و من کج اقبالم/ نیتم کعبه و آرزویم حج است به انجا طواف خانه خدا اقرار می کنم.»

تاریخ وفات سر را رسال ۱۷۹۰ م (۱۲۱۰ هـ) ذکر کرده اند.

مقبره این شاعر پرآوازه تبریز در شمال گنبدکاووس بین «مراوه تپه» و «کرنده» در منطقه ای به نام «آتوقا» قرار دارد که همه ساله، مشتاقان و شیفتگان وی، پروانه وار گرد مزار او می چرخند.

اوضاع اجتماعی عصر شاعر

عصر شاعر، عصر اغتشاش و هرج و مرج بود، دوره ای پرالتهابی بوده است. دوران نوجوانی شاعر مصادف با اواخر دوره نادرشاه و در پی جاسی ام نیز مصادف با واقعه احمد خان ابدالی بوده است. پس از قتل نادرشاه در سال ۱۱۶ قمری/ ۱۷۴۷ م. یکی از سرکردگان نادر به نام «احمد خان ابدالی» (معروف به ذبیحی) برای گرفتن قدرت، و تشکیل حکومت در «افغانستان»، عازم آنجا می شود. او از همه رؤسای طوایف یموت و گوکلان، مخصوصاً از «چاودیرخان» و «دولت محمد آزادی»، یاری می طلبد تا همگی در جنگ و به دست آوردن قدرت سهیم باشند. بعضی از اینان نیز به یاری «احمد خان» شتافته و همراه با گروهی، در راه

«افغانستان» کشته می‌شوند. واقعه درگذشت «چاودیرخان» رئیس طوایف گوکلار و دوری از دو برادر مختومقلی «محمّدصفا» و «عبدالله» در زمان حکومت احمدشاه در آنجا صورت گرفته است. مختومقلی در یکی از شعرهای خود به ن «چاودیرخان» شجاعت و دلآوری‌های او را به زیبایی به تصویر می‌کشد.

پس از شکست اتحاد با احمدشاه درانی ترکمن‌ها دست اتحاد به محمد حسن خا قاجار دادند که در آن زمان در آق‌قلای فعلی سکونت داشت. محمد حسن خان با استغفار ترکمن‌ها جنبش عظیمی را شکل داد.

مختومقلی، خود، جنبش «محمّد حسن خان» قاجار را که به بهانه خمن‌خواهی در غیاب دولت مقتدر در ترکمن‌صحرا و استرآباد علم طغیان برافراشت، دست کرده است.

در جنگی که فی‌ما بین «کریم خان زند» و «محمّد حسن خان» رخ داد ترکمن‌ها به یاری «محمّد حسن خان» شتافته بودند توانستند «کریم خان» شکست دهند. شعرهای گوکلانگ، اونگی آردی بیلینمز، عالی سیزینگدیر از اشعار است که درباره اتحاد با قاجارها سروده است. مرثیه‌های فراغی با عنوان‌های «عبدالله» و «بولار گلمه‌دی» و نیز شعر «چاودیرخان» که از سرداران ترکمن بوده و رهبر اردوی یاش‌اولی‌ها یا بزرگان ترکمن را به پنده داشته سروده شده است.

اشعار فراغی

اشعار عرفانی این شوریده، آنچنان جذاب و بی‌تکلف و ساده است، که در قلوب تک‌تک آحاد مردم جای دارد، و دارای الفت و پیوندی ناگسستنی است. احوال عشق و شور و مستی را مانند هر درد کشیده و عشق آزموده‌ای در مکتب عشق، با چنان شور و شوق و با سوز و درد بیان می‌کند، که جان هر صاحب درد اهل دلی را می‌آزارد و متأثر می‌سازد:

مختومقلی دیرلر مینینگ آدیمی

عالم الین چو یار گورسه اودومی
ای یارانلار کیمه دیم دادیمی
باشیم چیقماز، نه سودایا ساتاشدیم

«مرا مختومقلی می گویند/ کسی که با شعله اش، تمام جهانیان دست گرم می کنند./ ای یاران! دردم را با که گویم؟/ در این دم که به سودایی عجیب گرفتار آمده ام.»

فراغی آنجا که سخن از مرگ و نابودی به میان می آورد، انسان را سخت در اندیشه و تفکر فرو می برد و به جنب و جوش و تکاپو وا می دارد، و آنجا که از یأس و نومیدی و از درد و موز، نه از احساس و تجربه شخصی خویش حکایت می کند، آنچنان خواننده را تحت تأثیر قرار می دهد که گویی خود دارد در آن درد می سوزد.

یاد آری اتمام گذشته عمر، که نومیدانه و نافرجام از دست رفته اند، چون زنگ خطری است که در گوش تک تک خوانندگان به صدا در می آید و اغتمام فرصت را متذکر می گردد.

فراغی، طی نکته های عرفانی و حکمی فراوانی که در دیوان خود می آورد، نقاب از چهره زری پرستان و مال دوسان و چاپلوسان بر می دارد، در مذمت و نکوهش خشم، غرور، شهوت، آز و طمع برمی آید و از دیوان و آلام سخت آن در جای جای اشعارش به عنوان وسیله ای برای تحذیر و تنبیه مردم استفاده می کند و آنان را از غفلت در این دنیا پرهیز می دارد:

کلامده گوردیگین سوزلار یلسیر

آخر اجل اوستینده دیر یول مسیر

مختومقلی آیدار بیزینگ حالیمیز

یا رب اول گون نچیک بولار یارانلار

«آنچه را من بر زبان می آورم، سخن من نیست، سخن خداست/ سرانجام راه ما مرگ است/ مختومقلی می گوید: خداوند! حال ما در آن روز، چه سان خواهد بود؟»

فراغی، با آوردن تمثیلات و تشبیهات جالب، با دلیل و برهان ساده، مسایل سخت را آن چنان ساده، برای همگان روشن و واضح می کند که هیچ جای ابهامی باقی

نمی‌گذارد. وی در عین حال، اصلی برای تزکیه و تهذیب نفس و سیر و سلوک اخلاقی قرار می‌دهد، شعر را باظرافت و لطافت خاصی پرورش می‌دهد. فراغی با زبان ساده و بی‌تکلف، از عشق به حق سخن می‌گوید و مسأله زهد و فقر معنوی را که خود، دلیلی قانع‌کننده بر اتصال به حق تعالی است مطرح می‌کند. او در این خصوص با توجه به عبادت، در طی مناجات‌ها و التفات‌های مکرر، راز و نیازهای درونی و نیز آلام و عصیان خود را به شیوه بسیار دقیق بیان می‌کند. با این وسیله، از خدا، طلب بخشش و عفو می‌نماید.

ایا قادر سندنِ قُدرتلی کیمیم بار؟

کرمینگ گویچلی دیر گناهیم بسیار

«تادرا! آیه قدرتمندتر و تواناتر از تو کسی دارم؟ عفو تو بسیار و گناهان من نیز بی‌شمار است»

اسرار و رموز، سبک و لطافت و ولع تمام ابراز می‌دارد، در جایی تنزیه و تقدیس ذات اقدس را به میان می‌آورد و به تفکر و تدبیر در امور و صنع و اتقان آن اشاره می‌کند:

* قیل نظر آثار صنع الله عند چشم دیدن آثار

«بر آثار و صنع خدای نظر کن و با چشم بصیرت به آنها بنگر»

او اشعاری نفی و اشاراتی سحر گونه در باب ترک تعلقات مادی و خواهش‌های نفسانی دارد، بارها و بارها در آثار خود بر بطلان زیبایی دنیا، غفلت مردم و عدم تعلّق خود به مادیات اشاره کرده است، به علاوه، با دلیلی قاطع برهانی ساطع، بر همگان، اثبات می‌کند که دنیا را ثباتی نیست.

اشعار این شاعر، سراسر حکمت، پند و اندرز، سراسر تعلیمات اخلاقی و آکنده از الهامات و تمایلات معنوی و مشحون از آیات و احادیث است که پرداختن به تمام این‌ها، خود کتابی مستقل خواهد شد.